

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان آزادیبخش مردم افغانستان "ساما"

۱۲ اگست ۲۰۱۷



اندیشه، آرمان و تجدید میثاق

۱

ادعا قیمت ندارد جز به میدان عمل

پهلوان خارج از میدان نمی ارزد به هیچ

مقدمه:

هژدهم جوزا روز جاودانه شدن مشعلدار نامور رزم آزادی و انقلابی خلق افغانستان – زنده یاد مجید – است. در این روز همه ساله از مجید و دیگر مبارزان مردمی که در راه رهائی ملی و اجتماعی خلق ستمدیده و در زنجیر (افغانستان) جان باخته اند، یاددہانی و بزرگداشت صورت می گیرد.

با توجه به محتوای برخی از این تجلیل و تکریم ها، این گونه بزرگداشت ها به اثر استمرار دیگر به یک سنت و در برخی موارد سنت بی روح و خسته کن، تبدیل شده است. بدین مناسبت افرادی با انگیزه های متفاوت غیرمبارزاتی سالی یک بار ستیز های رنگین برپا داشته و به رسم مجلس آرائی، صفت هائی را نثار مجید و همزمان جانبخته او می کنند. از اندیشه، راه و آرمان جانبختگان یاد کرده و در روی همان ستیز با آن ها تجدید میثاق می بندند. اما شب در میان، فردایش نه از اندیشه خیری است، نه از پیمان و نه از تجدید با آن تا همان روز سال بعد.

در چنین ستیز ها به منظور تجدید پیمان سالی یکبار، اکثراً مفاهیمی از قبیل اندیشه، اخلاق، راه و رسم، آرمان، تجدید میثاق، عدالت، آزادی و... مفاهیم به صورت مکانیکی، گنگ و مجزا از سائر عناصر نظام ارزشی انقلابی مجید و سائر جانبازان انقلابی کشور بدون باز کردن جانمایه هر یکی از این مفاهیم و بدون مشخص ساختن چگونگی تجدید میثاق با آنان، به گونه مصرفی بیان می شود.

متعاقب هژدهم جوزای سال جاری، عده ای از اعضاء و هواداران "ساما" سؤال هائی را پیرامون همین مفاهیم مطرح و به کمیته فرهنگی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان، برای روشنگری و بازگشائی بار و درونمایه هر یک از این مفاهیم، ارجاع کرده اند. آن ها خواسته اند تا از مفاهیم اندیشه، آرمان، تعهد، اخلاق، راه و رسم انقلابی و آزادیخواهانه و ایده آل های آن زنده یادان و تجدید میثاق با آنان و آرمان های شان تعریفی به دست داده و حدود و ثغور این مفاهیم را تبیین نموده و به گونه شفاف و تفسیر ناپذیر مشخص ساخته شود.

در مجموع جانبازان^[۱] و پیشکسوتان جانباخته جنبش انقلابی و آزادیخواهانه کشور ما انسان های آگاه و دارای اندیشه، آرمان، اخلاق، و راه و رسم انقلابی بودند و در بازتولید اندیشه انقلابی سهم بسزائی داشتند. حاصل جمع این عناصر و ارزش ها؛ نظام فلسفی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، موازین، ابزار، روش ها و کنش گری انقلابی آنان را می ساخته است. هم کلیت به هم پیوسته دیالکتیکی این عناصر و هم تجدید میثاق و التزام مدعیان راه با آن؛ بار، محتوائی و ابعاد جدی ایدئولوژیک، سیاسی، سازمانی و عملی دارد. هیچ گونه تجدید میثاق ادعائی جدا و سوای این بار، محتوائی و ابعاد جدی ایدئولوژیک، سیاسی، سازمانی و عملی و داعیه مبارزاتی انقلابی؛ نمی تواند به گونه جدی و واقعی مطرح باشد.

از دید ما پرداختن مفصل به جزئیات مفاهیم فوق، بحث های همه جانبه را می طلبد. برای گریز از گم شدن بحث اصلی در میان انبوهی از مطالب دامنه دار و همین گونه برای اجتناب از سرگردانی خواننده جویای پاسخ به سؤال های بالا؛ ابتداء سؤال های این پرسنده های عزیز را در پیرامون مفاهیم فوق مطرح کرده و سپس می کوشیم با ایجاز و در حد فهم عموم، به تعریف و تبیین درونمایه هر یکی از مفاهیم فوق پرداخته و در اخیر آن ها را در یک رابطه متقابل دیالکتیکی به حیث اجزای یک نظام ارزشی، به رسم نتیجه گیری ارائه بداریم.

کمیته فرهنگی سازمان آزادیبخش مردم افغانستان (ساما)

۱۸ اسد ۱۳۹۶ شمسی

سؤال های مطرح شده به قرار زیر اند:

- ۱- اندیشه چیست و چه محتوائی دارد؟
- ۲- هدف چیست؟ آرمان چه تعریف و درونمایه ای دارد؟
- ۳- اخلاق و اخلاق انقلابی چیست؟
- ۴- راه و رسم انقلابی کدام است؟
- ۵- تجدید میثاق یعنی چه و چه تعریفی دارد؟
- ۶- معیار پابندی و تعهد به این ارزش ها چیست؟
- ۷- شرایط عضویت در یک سازمان سیاسی کدام ها اند؟
- ۸- معیار های عضویت در (ساما) به مثابه یک سازمان سیاسی، کدام ها اند؟
- ۹- تعریف واژه «سامائی» چیست و «سامائی» به چه کسی اطلاق می شود؟

۱- اندیشه:

انسان از همان نخستین گامی که در جاده انسانیت گذاشت، موجودی بود اندیشمند با معلومات اندک و مجهولات فراوان. اندیشه همزاد انسان و به قدامت پیدایش او است. اندیشه حاصل بازتاب واقعیت عینی پیرامون انسان و قوانین آن در مغز انسان در جریان تغییر طبیعت و کار مولد انسان برای دگرگونی پدیده های طبیعی بوده است. اندیشه همراه با موجود

اندیشمند و کنشگر(انسان) از طریق تکامل شناخت انسان در روند طولانی پراتیک جمعی، تکامل می پذیرد. به شکرانه شناخت قانونمندی های عینی عرصه های طبیعت و کسب آگاهی علمی در این مسیر تکاملی پر از خم و پیچ است که اندیشه انسان صیقل شده و با زدودن عناصر خرافی، زنگار و زواید از سیمای اندیشه؛ اندیشه خصلت علمی مبتنی بر واقعیت کسب می کند. با پالایش اندیشه و تکامل شناخت جمعی اندر این روند طولانی است که مفاهیم و احکام علمی زاده شده و نونهال سبز علم درختی تنومند و باروری شده، شاخه می زند و برگ و بار می آورد. هم انسان اندیشورز و عامل و هم اندیشه حاصل پراتیک و شناخت او، در جا نمی ایستند، به پیش می تازند. انسان با رهنوردی در وادی های ناشناخته و وقوف بر قواعد و رمز و راز آن عرصه ها، به تدریج، ولی پیوسته از مجهولات کاسته و بر معلومات جمعی خویشتن می افزاید.

اما در چندمین گام از رهنوردی انسان در مسیر برون ستیزی، زندگی جمعی انسان دستخوش درون ستیزی می شود. نتیجه بلافصل این درون ستیزی، تقسیم جامعه و اندیشه به دو پایگاه متعارض طبقاتی - فکری است. زین پس بخش آگاهی اجتماعی اندیشه(آگاهی پیرامون انسان در بستر اجتماعی) به آن افزوده شده و این آگاهی اجتماعی خصلت ایدئولوژیک می یابد؛ یعنی به اعتبار تعریف «ایدئولوژی» که همانا "معرفت طبقاتی" است، این آگاهی به معرفت طبقاتی مبدل می شود. جامعه به ستمکشان و ستمگران تقسیم شده و اندیشه نیز با کسب خصلت طبقاتی، به اندیشه ستمگران و اندیشه ستمکشان تقسیم می شود. کلیت اندیشه همه اشکال شعور یا آگاهی اجتماعی را شامل می شود. از همین دم مبارزه طبقاتی میان ستمگران و ستمکشان آغاز شده و عرصه های ایدئولوژیک، سیاسی و اقتصادی را درمی نوردد.

اندیشه ستمگران و صاحبان وسائل تولید و ثروت مادی، در نقش حربه ایدئولوژیک و عامل فکری پاسدار وضع موجود، شرایط ستمگری نیرو های مسلط و شرایط ستمکشی طبقات ستمکش را بازتولید کرده و با تخالف با نوآوری، بالندگی و تغییر؛ خصلت ارتجاعی و محافظه کار کسب می کند. این تخالف اندیشه ستمگران با رویش و پویش، به موازات تداوم مبارزه میان ستمگران و ستمکشان در سراسر تاریخ انسان از مرز اسطوره و تاریخ تا امروز، مشهود بوده و همه عرصه ها و اشکال شعور اجتماعی را شامل می شده است.

در مقابل، اندیشه مدافع و پاسدار ستمکشان و بهره دهان، نیز به مثابه ابزار ایدئولوژیک برخاسته از بستر عینی اجتماعی، در ستیز با اندیشه غالب ارتجاعی و محافظه کار، با تأکید بر نوآوری، بالندگی، پویش و دگرگونی؛ در سراسر تاریخ، خود عرصه ای و وسیله ای در نبرد طبقاتی میان ستمگران و ستمکشان بوده است. این کارزار فکری نیز به مثابه بخشی و عرصه ای از مبارزه طبقاتی ستمکشان، عرصه های فلسفه، علوم، سیاست، حقوق، هنر، ادبیات، مذهب و لامذهبی و غیره اشکال و نهاد های روبنائی را شامل می شود و به موازات تداوم و تکامل مبارزه طبقاتی؛ اشکال، تنوع و تکامل می پذیرد.

اندیشه انقلابی حاصل جمعبندی تجارب مبارزاتی ستمکشان است. مبارزه ستمکشان علیه ستمگران استثمارگر و استثمارگر در پهنه تاریخ، از خود تاریخی دارد. اندیشه انقلابی هم چیزی نیست، جز سنتیز علمی تجارب و دانش حاصله از پراتیک مبارزاتی این سرگذشت و تاریخ و نشان دادن راه ها، ابزار و اشکال فراروی تاریخی ستمکشان و محرومان از تنگنای تاریخی به سوی فراخنای تاریخی.

مفاهیم مترادف اندیشه انقلابی، اندیشه پیشرو، آگاهی انقلابی، آموزه انقلابی و علم انقلاب عبارت از یک جمعبندی و بیان تعقلی - تئوریک تجارب حسی حاصله از مبارزه طبقاتی و استمرار ستم و استثمار است و بر پایه نقد و سنتیز

اشکال غیرنظاممند آگاهی شکل گرفته است. فیلسوف شهیر المانی این اندیشه انقلابی، آزادخواهانه و پیشرو را در «مانیفست» «بیان کلی مناسبات واقعی مبارزه جاری طبقاتی و... جنبش تاریخی» تعریف می کند.

زنده یاد مجید در اثر ماندگارش تحت عنوان «برنامه ساما» اندیشه انقلابی را که خود و انقلابیون سامائی و غیرسامائی کشور ما بدان باور علمی، راسخ و استوار داشتند، «اندیشه پیشرو عصر» نامیده و بر ضرورت تبلیغ و ترویج آن تأکید ورزیده است. در جایی دیگر در همین برنامه او این درفش فکری را «درفش طبقه کارگر دوران ساز» فراروی صف طویل مارش تاریخی ستمکشان برای ورود «به قلمرو اختیار و آزادی» نامیده است.

آری! این همان اندیشه ایست که مجید و همزمانش و سائر انقلابیون پاکباز منسوب به جنبش انقلابی کشور ما آن را همچون سلاح رزم تاریخی ستمکشان و محکومان این سرزمین برگزیده بودند و به حقانیت آن باور راسخ و علمی داشتند؛ این همان سلاح برنده ایست که مبارزان مردمی بی گور و نشان راه آزادی کشور با در دست داشتن آن، زنجیرهای بردگی و رقیت را از دست و پای خود پاره کرده و به مدد این اندیشه آزادی خواه، در پی تحقق ایدال های آزادی خواهانه شان بودند. وقتی از اندیشه مبارزاتی انقلابیون و آزادخواهان مردمی کشور یاد می کنیم، غیر از این اندیشه انقلابی و زنجیرگسل برای تغییر موقعیت ستمکشی و بهره دهی خلق زحمتکش کشور؛ پای اندیشه دیگری در میان نیست؛ زیرا در جامعه شدیداً تقسیم شده ما به ستمکش و ستمگر، عمدتاً بیش از دو اندیشه وجود ندارد:

– یکی، اندیشه ارتجاعی و محافظه کار طبقات استثمارگر بومی و استعمار است که رجعت به گذشته دارد و تداوم وضع جاری را می طلبد؛

– آن دیگری، اندیشه رو به جلو در پی تغییر و توقف بازتولید شرایط ستمکشی و بهره کشی ستمکشان است. این دومی، اندیشه پیشرو واحد در عصر کنونی است که به ستمکشان، انقلابیون و خلق های زحمتکش گیتی تعلق دارد. این یگانه درفش مبارزاتی است که در پیشاپیش صف طویل ستمکشان و مبارزان راه آزادی جهان در اهتزاز است. این درفش خونریز فکری انقلابی و آزادی طلب برای راهیان راه انقلاب و آزادی افغانستان، بخش اساسی از میراث بزرگ اندیشمندان و پیشگامان راه انقلاب کشور ما است. باید این ارثیه گرانبها را ارج گذاشته و در حراست این ودیعه بکوشیم تا از دستبرد، تحریف و به ابتذال کشیده شدن مصون بماند.

۲ - هدف و آرمان:

نخستین ویژگی انسان و وجه تمایزش با حیوان، اندیشمندی یا قابلیت تفکر اوست. اندیشه هم دو مؤلفه دارد. آگاهی از ماهیت پدیده های طبیعی (علوم مثبت) و آگاهی اجتماعی که منبعث از هستی اجتماعی انسان است و هستی اجتماعی مشترک یا تقسیم شده را بازتاب می دهد. در جامعه طبقاتی مؤلفه دوم آگاهی اجتماعی جنبه طبقاتی دارد. اندیشه یا آگاهی اجتماعی برای هر گروه و طبقه ای ارزش های مشترکی را من حیث هدف و آرمان غائی تعیین می کند. این جاست که دومین ویژگی انسان که زاده ویژگی نخست اوست، هویدا می شود: هدفمندی.

هدف عبارت از فرجام هر امری و یا راهی است که در صورت اكمال و اختتام، به آن جا می انجامد. هدف می تواند فردی یا جمعی باشد. مشخص شدن هدف، انسان را جهت بخشیده و او را برای انجام امور رسیدن به هدف یاری نموده و برمی انگیزاند. هر طبقه و گروه اجتماعی، هر مکتب و مسلک برای افراد و سالکانش اهدافی را مشخص ساخته است. در جامعه طبقاتی تقسیم شده به ستمگر و ستمکش، به بهره کش و بهره ده، هدف ها نیز متعارض و متباین اند. از منظر اندیشه های ارتجاعی و محافظه کار حافظ منافع ستمگران؛ هدف، آرمان و غایت؛ حفظ و تداوم موقعیت حاصله و استقرار نظمی است که ایجاد گشته و مسلط است.

اندیشه یا آگاهی انقلابی و پیشرو اما در هر زمانی مبشر تغییر است و قصد فرا رفتن از محدوده موجود تاریخی را دارد. این بشارت برای تغییر، شامل حال خود این اندیشه نیز می شود. اندیشه انقلابی بر پایه سنتیز تجارب حاصله از پراتیک مبارزاتی ستمکشان؛ هدف، آرمان، راه، ستراتیژی و تاکتیک را نیز نشان می دهد.

با این تبیین کوتاه هدف، چیستی و چگونگی آرمان را درمی یابیم. «آرمان» یا «ایده آل» عبارت از کمال مطلوب، مراد یا خواسته که به صورت ارزش های مشترک و اهداف متعالی یک جمع و گروه انسانی تبیین و تدوین می شود. آرمان مشترک یک جمع این را تعیین می کند که چه کاری با چه روشی انجام شود و چه ابزار مبارزاتی و اشکال سازمانی به خدمت گرفته شود. آرمان نیز که زاده اندیشه است، همانند اندیشه و هدف؛ برای ستمگران و ستمکشان یکسان نیست.

آرمان همزمان با تقسیم جامعه به طبقات برای رسیدن به آرزو ها و هدف های هر طبقه، به مثابه یک نیاز اجتماعی به وجود آمد. آرمان و روان شناسی اجتماعی نمود هائی از شعور اجتماعی است. روان شناسی اجتماعی بازتاب دهنده شعور مرسوم جامعه مفروض است. اما آرمان بیانگر شعور تئوریکی و سیستمی از اندیشه های یک طبقه مشخص است و به بیان دیگر «دست آورد عناصر متفکر یک طبقه است». آرمان «طبقه پیشرو» و بالنده بر اساس دانش تئوریک عناصر متفکر این طبقه یا به عرصه وجود گذاشته است که عبارت است از «گذار از قلمرو جبر طبیعی و اجتماعی به قلمرو اختیار و آزادی».

آرمان مبارزاتی برای باورمندان اندیشه مبشر تغییر متشکل از دو جزء است: در موقعیت مستعمراتی جامعه یا کشوری (مثل افغانستان دهه هشتاد میلادی و افغانستان امروز) حداقل آرمان مبارزاتی برای آزادیخواهان و مبارزان راه آزادی کشور، طرد استعمارگر متجاوز و حصول آزادی ملی است. آرمان مبارزاتی انقلابیون، اما فراتر از این گسترده، رو به جلو در پی خروج ستمکشان از این تنگنا های تاریخی، پایان بخشیدن به بازتولید شرایط ستمکشی و بهره کشی و ایجاد دنیای فارغ از ستم و استثمار است. ایده آل انقلابی و کمال مطلوب انقلابیون رسیدن به آن فراخای تاریخی است که انسان از درون سنتیزی فارغ شده و به برون سنتیزی برای مهار طبیعت همت گمارد.

درفشدار مارش شورانگیز تاریخی زحمتکشان کشور، جاودان یاد مجید نیز به نوبه اش با اعلام یورش بر دژ ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی (به ویژه سوسیال امپریالیسم بنا بر نقش غالب آن در افغانستان در همان زمان)، این آرمان انقلابی را گذر از "قلمرو جبر طبیعی و اجتماعی به قلمرو اختیار و آزادی" نامیده است. از منظر مجید، بانیان "ساما" و سائر همزمان اصولی مجید (سامانی های راستین)، این کمال مطلوب، "قلمرو اختیار و آزادی"، "دنیای نوین"؛ همان "جامعه فارغ از ستم طبقاتی، ملی و بهره کشی" و "جامعه بدون طبقات"، و به تعبیر زنده یاد مجید "آرمان گرامی" ایست که این انقلابیون برای تحقق آن عمری رزمیدند و تا پای مرگ در راه آن با اراده تزلزل ناپذیر استوار ماندند.

تأکیدات زنده یاد مجید بر کاراکتر طبقاتی و چیستی اندیشه و آرمان انقلابی در معتبر ترین سند تاریخی معرف هویت فکری - سیاسی مجید و ساما یعنی برنامه ساما، و مراجعه بر این تأکیدات؛ راه را بر اغتشاش آفرینی، ایجاد شک و شبهه و تحریف تاریخ؛ می بندد.

این است آن آرمان شکوهمند اما ناتمام مبارزاتی که مجید و سائر پیشگامان انقلابی و چند نسل انقلابیون کشور ما برای تحقق آن تدارک دیدند، رزمیدند و در گور های بی نشان به سینه خاک حقتند و گام زدن در راه تحقق این آرمان گرامی را - به مثابه ارثیه و سنت گرانقدر - به ادامه دهندگان راه شان به ودیعت گذاشتند.

ادامه دارد